

نگرشی نو در جایگاه ارش البکاره در فقه و حقوق موضوعه

احسان زررخ

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

مقدمه

♦ با توجه به گسترش زندگی شهری و برخوردهای اجتماعی و به تبع آن گسترش روابط زن و مردان در جامعه بمتأسفانه آسیب های اجتماعی و انحرافات جنسی در جوامع بیش از پیش مطرح می شود و در این میان دستگاه قضایی می بایست به روش هایی برای رسیدگی به این دسته از مجرایم توسل جوید که در این میان بمت تعیین ارش البکاره برای دخترانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند جایگاه ویژه ای دارد که متأسفانه به طور صریح از سوی قانونگذار مورد بمت و کنکاش

قرار نگرفته و مقوقدانان نیز تا به مال نگاه جدی به آن نداشته اند؛ لذا نگارنده در نوشتار حاضر به بررسی این مسأله، فروض مفتلف تمقق آن و نیز ارائه راهکارهایی در این باب اقدام نموده است.

واژگان کلیدی: ازاله بکارت، ارش البکاره، مهرالمثل، فقه، قانون.

مقدمه

در تعیین ارش البکاره و مهرالمثل تعارضاتی در آرای محاکم و نیز نظرات فقها دیده می شود و تا به حال نیز رویه واحدی در این موضوع دیده نشده است و همین اختلاف آرا سبب شده تا به نوعی حقوق برخی افراد تضییع شود؛ لذا نگارنده لازم دید تا تحقیقی در باب صور مختلف این موضوع انجام دهد و در ضمن آن در صد پاسخگویی به چند سؤال ذیل باشد.

اول) آیا میان مهرالمثل و ارش البکاره تفاوتی وجود دارد؟

دوم) آیا ازاله بکارت دختر را که به سبب پارگی پرده بکارت است می توان نوعی از جراحت (دامیه) دانست و برای آن دیه ای لحاظ نمود یا خیر؟

سوم) آیا رضایت یا عدم رضایت دختر به منظور ازاله بکارت تأثیری در تعیین ارش البکاره دارد؟
چهارم) آیا ازاله بکارت به هنگام تصادفات رانندگی میسر است (البته بدون اینکه کل واژن پاره شود) یا خیر و آیا ارش البکاره به آن تعلق می گیرد؟

۱- مهر المثل چیست و آیا مهر المثل با ارش البکاره متفاوت است؟

مطابق تعریفی که در ترمینولوژی حقوق از این موضوع صورت گرفته مهر المثل عبارت است از مالی که پس از وقوع نزدیکی و قبل از تراضی به مهر معین به حسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به او داده می شود^(۱) امام (ره) در جلد چهارم تحریر الوسيله مسأله ۵، (صفحه ۵۸۴) و صاحب جواهر در جواهر

الكلام اعتقاد دارند که مقصود از ارش البکاره همان مهر المثل است. هر چند که امام (ره) در جلد دوم استفتائات خودشان (صفحه ۴۰۵) که می پرسند اگر مکره باکره باشد آیا علاوه بر مهر و دیه، ارش بکارت نیز برای او واجب است؟ برخلاف قبل پاسخ می دهند «محل تردید است و احوط این است» که از این نظر چنین به دست می آید که امام (ره) قائل به تفصیل بین مهر المثل و ارش البکاره شده اند.

از دیگر سوآیت الله شیخ صادق روحانی نیز در مجموعه استفتائات خویش این گونه بیان می دارد: «در موارد ثبوت مهر المثل ارش البکاره معنی ندارد، زیرا مراد از مهر المثل مهر باکره است که با دخول بکارت زائل شده است و قهراً زیادتر



از مهر المثل ثبیه است، پس ارش البکاره در همان مهر المثل ملاحظه می شود.»

آیت الله صناعی نیز در مجموعه استفتائات خویش این گونه نظر می دهد که مرد تنها موظف به پرداخت مهر المثل است و نه چیزی بیشتر و چون بکارت از موارد موثر در تعیین مهر المثل است لذا ارش البکاره در مهر المثل لحاظ می گردد.

آیت الله نوری همدانی در مجموعه استفتائات خویش ارش البکاره را جدای از مهر المثل دانسته و در صورتی که زنا با عنف واکراه باشد آن را برای دختر لازم می داند. آیت الله مکارم شیرازی تنها به مهر المثل اکتفا نموده زاید بر آن (ارش البکاره) را لازم نمی داند.

آیت الله تبریزی نیز بیان می دارد که ارش البکاره جزئی از مهر المثل است و پسر فقط محکوم به دادن مهر المثل می گردد نه بیش تر.

البته فقهای پیشین نیز در این مورد اظهار نظر کرده اند؛ من جمله ابن ادریس که معتقد است در موارد ازاله بکارت ناشی از روابط نامشروع تنها مهر المثل تعلق می گیرد.

از سوی دیگر علامه حلی جمع بین مهر المثل و ارش بکاره را لازم می داند و به جمع آن دو حکم داده است.

محقق حلی جمع بین مهر المثل و ارش البکاره را لازم می داند.

شیخ طوسی نیز در جلد ۳ المبسوط (صفحه ۶۷) بیان می دارد که به زن تنها مهر المثل تعلق می گیرد نه ارش البکاره.

شیخ حسن نجفی (صاحب جواهر) حکم به پرداخت مهر المثل و ارش البکاره داده است البته نظر عجیبی نیز ابراز نموده آن این که برای زن ثبیه نیز پرداخت ارش البکاره را ساقط ندانسته است. ابن ادریس نیز پرداخت مهر المثل را به زن ثبیه در مورد زنا به عنف پذیرفته است.

نگارنده در توجیه نظر صاحب جواهر برای پرداخت ارش البکارت به ثبیه موفق به یافتن هیچ گونه استدلال فقهی نشده است.

چند روایت صحیحه نیز در این خصوص مطرح شده که در ذیل بیان می شوند:

صحیحه ابن سنان از ابی عبدالله (ع) در مورد زنی که با انگشت جاری خود را ازاله بکارت کرده بود که امام فرمودند: برای او مهر المثل قرار دارد و ۸۰ ضربه تازیانه.^(۱)

روایت معتبری از سکونی که طی آن از ابی عبدالله (ع) نقل شده: دو جاری که با هم به حمام رفته بودند و طی آن یکی از آن ها دیگری را با انگشت ازاله بکارت کرده بود نزد وی بردند و او این گونه قضاوت کرد که مسبب باید عقل را به مجنی علیها بپردازد.^(۲)

که البته آیت الله خوئی مراد از عقل را در این جا مهری می داند که به از بین رفتن بکارت در غیر جماع تعلق می گیرد.

نتیجه آن که نگارنده حاضر نظری را که طبق آن ارش البکاره جزئی از مهر المثل لحاظ می شود، نظری منطقی دانسته و این نظر را در ازاله بکارت غیر از سوانح و حوادث مطابق با قاعده می داند. هر چند که در رای شماره ۶۷۰-۷۳/۶/۱۲۲ شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور این گونه بیان شده اگر ازاله بکارت با انگشت و امثال آن باشد (بدون دخول) ارش البکاره ثابت می شود ولی در صورت دخول تنها مهر المثل ثابت می گردد.

۲- آیا ازاله بکارت دختر را می توان به سبب پارگی در پرده بکارت نوعی جراحت دانست و برای آن دیه یا ارش معین نمود؟

این مسأله نیز تاکنون به طور صریح مطرح نگشته و آرای صریحی در این مورد وجود ندارد لکن ماسعی در یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال داریم.

در این آثار فقها چیزی به عنوان دیه برای ازاله بکارت دیده نشده است جز در مورد کنیز که عشر قیمت کنیز تعیین شده که البته در مورد زنان آزاد مهر المثل وجود دارد. در این جا ذکر چند نکته خالی از لطف نیست؛ چه تعدد سبب موجب تعدد مسبب می شود، از اینرو مهر المثل در مقابل

تفویض بضع است و برای ازاله بکارت هم ارش البکاره قرار می گیرد اما در مورد جراحاتی که بر بدن زن وارد می شود چه چیز قرار می گیرد؟ زیرا همان طور که می دانیم ارش البکاره خود در برابر از بین رفتن بکارت است چونانکه رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید. زنان با کره همانند جزایری هستند که پای کسی به آن جا باز نشده است.

لذا از این روایت این مسأله استفاده می شود که صرف وجود پرده بکارت نشانگر بکر بودن دختر نیست بلکه اماره ای بر این امر است؛ از اینرو ارش البکاره برای از بین رفتن این بکر بودن است و نه پارگی حاصل از پاره شدن پرده و به نظر اینجانب می توان برای آن ارش خاص تعیین کرد. برای توضیح بیشتر این نظر رایسی از دیوان عالی کشور ذکر می شود:

یکی از شعب دیوان عالی کشور در مورد زنا به عنف به دو طفل ۵ و ۹ ساله که دادگاه بدوی در مورد آن ها حکم به پرداخت توأمان مهر المثل و ارش البکاره به هریک از مجنی علیها را داده بود، را نقض کرد و چنین استدلال نمود که با زین رفتن بکارت طبق گواهی پزشکی قانونی مهر المثل به عهده متهم ثابت می شود ولی اضافه نمودن زائد بر آن در صورتی صحیح است که پزشک افضاء را نیز تصریح نماید که البته در این صورت دیه ثابت می شود و در غیر این صورت فقط ضامن مهر المثل است و به پارگی ها ارش تعلق می گیرد ولی نه ارش البکاره.^(۳) از این رأی ۲ نکته استفاده می شود؛ اول تأکید نظر فوق الاشعار نگارنده حاضر در مورد محسوب شدن ارش البکاره به عنوان بخشی از مهر المثل و دوم توانایی تعیین نمودن ارش برای پارگی پرده بکارت که سوای ارش البکاره است.

گرچه نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۴۰۲۲-۷/۱۰/۷-۱۳۶۲/۱۰/۷ در خصوص ماده (۴۴۱) قانون مجازات اسلامی مهر المثل را به عنوان دیه پاره شدن پرده بکارت عنوان نموده، لکن این نظر چندان قابل دفاع نیست و با دلایل فوق الذکر رد می شود.

۳- آیا رضایت یا عدم رضایت دختر در تعیین ارش

در مورد تأثیر رضایت یا عدم رضایت دختر در تعیین ارش البکاره نظرات مختلف است ابتدا به بیان آن ها پرداخته سپس نظری را که معقول است بیان می داریم.

حضرت امام (ره) در ج ۴ تحریر الوسیله صفحه ۴۰۵، مساله ۵ می فرماید اگر زن از غیر شوهر آکراه شده باشد پس برای او مهر المثل است بادیه و اگر زن موافق او باشد برای زن دیه است و نه مهر. حضرت امام (ره) در نظری متفاوت در جلد دوم استفتائات خویش می فرماید: جانی باید ارش البکاره را بپردازد حتی در صورتی که زنا با رضایت خود دختر باشد؛ زیرا قاعده (لا مهر لبغی) ناظر به مهر است و نه ارش.

آیت الله صانعی نیز در جداول استفتائات قضایی خویش بیان می دارد اگر زنا با رضایت زن باشد مهر و ارش البکاره محقق نمی شود چون قاعده کلی (لا حرمة و لا مهر لبغی) ناظر بر این است که زنی که بضعش رامجاناً به زانی داده مستحق هیچ چیزی نیست (نه مهر المثل و نه ارش البکاره) اما اگر زن مکروه باشد مستحق مهر المثل است. البته ایشان اغفال دختر را هم به رضایت ملحق نموده و وی را مستحق مهر المثل ندانسته است.

آیت الله صادق روحانی نیز در مجموعه استفتائات خود برای مؤسسه حقوقی و کلاهی بین الملل بیان می دارد در صورتی که دختر مکروه باشد مستحق مهر المثل است و اگر با رضایت وی باشد مستحق هیچ چیز نیست و ایشان نیز حکم صورت فریب را حکم صورت رضایت می داند.

شیخ جواد تبریزی در کتاب استفتائات جدید بیان می دارد اگر دختر با رضایت خویش از زاله بکارت شود مستحق هیچ چیز نیست و اگر مکروه باشد مستحق مهر المثل است. آیت الله مکارم شیرازی در سوال ۱۴۰۰ از مجموعه استفتائات جدید خویش بیان می دارد که زانیه مطاوعه حق مهریه و ارش بکارت ندارد؛ مگر این که مرد او را اغفال کرده باشد.

آیت الله نوری همدانی در پاسخ به سوال ۸۷۰ از مجموعه استفتائات خویش نظری متفاوت دارند.

ایشان بیان می دارند در صورتی که زنا با رضایت دختر باشد وی فقط مستحق ارش البکاره است و اگر دختر مکروه باشد هم مستحق ارش البکاره و هم مستحق مهر المثل است و در مورد اغفال نیز حکم به همین نحو است.

این ادیس در جلد ۳ صفحه ۴۴۹ و شیخ طوسی در جلد ۳ المبسوط صفحه ۶۷ و صاحب جواهر در جلد ۴۳ جواهر الکلام صفحه ۲۷۶ مهر المثل را در صورت رضایت یا فریب زدن لحاظ نموده اند و تنها در صورت آکراه زن برای وی حق مهر المثل را در نظر گرفته اند.

شهید ثانی در مسالک قائل به این نظر است که با تقویت، جزء ارش ثابت می گردد؛ بنابراین ایشان از بین رفتن بکارت دختر در صورت مکروه بودن وی را علاوه بر مهر المثل مستحق ارش البکاره نیز می دانند.^(۵)

آیت الله ابوالقاسم خوئی در مورد این که آیا دختر باکره مکروه علاوه بر مهر المثل مستحق ارش البکاره نیز هست یا خیر، این گونه پاسخ داده اند: «گفته شده که ارش البکاره واجب می شود لکن این نظر ضعیف است و صحیح عدم وجوب ارش البکاره است.»^(۶)

آیت الله خوئی چند دلیل دیگر برای نظر خویش بیان می دارد: «اول آن که هیچ دلیلی بر این که برای از زاله بکارت ارشی زائد بر مهر المثل تعیین گشته وجود ندارد و از این رو ایشان ادعایی را که بیان می دارد «تعدد سبب موجب تعدد مسبب می شود»، رد می کنند. دلیل دیگر آن که همانا مهر المثل تعیین شده مهر زن باکره است و از این رو میزان تفاوت میان باکره و تبیه در آن لحاظ شده است و از این رو تقویت این جزء (پرده بکارت) که یک منفعت برای دختر است، هدر نمی شود.»

۲-۳) آرای دیوان و نظرات مشورتی
در این مورد چند نظر وجود دارد؛ اول نظر دادستان کل کشور در مورخه ۱۳۷۴/۴/۱۱ که مقرر می دارد زانیه در زنا با غیر محصنه مستحق ارش البکاره است هر چند که عمل زنا با رضایت وی باشد.

و نیز در یکی از موارد عجیب، در دو دادگاه در مورد موضوعی واحد دو رأی متفاوت صادر شد؛

اول در دادگاهی دخترتی که زنا با غیر محصنه وی ثابت شده بود مستحق دریافت مهر المثل و ارش البکاره شناخته شد ولی در دادگاه دیگری با همین وضع تنها مستحق مهر المثل شناخته شد. دوم در دادگاه دخترتی که زنا با مطاوعه و رضایت مستحق دریافت هیچ چیزی نشد و دختر دیگری در دادگاه دیگری با همین وضعیت مستحق دریافت مهر المثل و ارش البکاره شناخته شد. همانطور که مشاهده شد رویه مشخصی در محاکم ما در این مورد وجود ندارد و نگارنده نیز موفق به یافتن رأی وحدت رویه ای در این مورد نگشت. شاید علت این امر سکوت قانونگذار و نیز تشتت آرای فقهاست.

۴- آیا از زاله بکارت به هنگام تصادفات رانندگی سبب تحقق ارش البکاره برای دختر است؟

در پاسخ به این سؤال یک موضوع کلی باید مورد نظر قرار گیرد و آن این که آیا پارگی پرده بکارت بدون پارگی کل واژن محقق می شود یا خیر؟ در این مورد پزشکان قانونی که نگارنده از آنان سؤال نموده بالاتفاق بر این نظرند که امکان پارگی خود پرده به تنهایی و بدون پارگی واژن وجود ندارد. حال با این پیش فرض به بررسی این مسأله از منظر فقه، قانون و رویه قضایی می پردازیم.

فقه: در کتب فقهی نظرات صریحی در این موضوع وجود ندارد و فقهای معاصر نیز به این موضوع نپرداخته اند. در این میان می بایست به سایر نظرات فقها پرداخت تا بتوان دلیلی روشنگر برای این موضوع پیدا نمود.

در کلیه آرای فقها تنها موارد دخول و نظایر آن مد نظر قرار داده شده و مواردی خارج از این ها مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. در کل بنابر آرای فقها مهر المثل به خاطر تسلط زانی بر بضع است در حالی که در پارگی ناشی از تصادفات بضع زن در تسلط دیگری قرار نگرفته تا به تبع تسلط موظف به پرداخت مهر المثل باشد.

لکن چون از زاله بکارت صورت گرفته و زن بکارتش را از دست داده و این خود نوعی تقویط منفعت برای زن است لذا باید این تقویط منفعت جبران گردد که این امر نیز با تعلق ارش البکاره به آن زن صورت می پذیرد و چون تحقق از زاله بکارت

بدون پارگی واژن ممکن نیست، دیده آن هم به ارش البکاره اضافه می گردد. این نظر با توجه به اصول و قواعد فقهی نیز مورد تأیید قرار گرفته لکن در استفتائی شماره ۶۲۹۵۶ که از مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی توسط نگارنده به عمل آمد به ایشان تنها به مهرالمثل اکتفا نمودند و بیش از آن را بر جانی لازم ندانستند.

قانون و رویه قضایی: در این مورد قانون مابه کلی ساکت است و تنها ماده (۴۴۱) قانون مجازات اسلامی وجود دارد که ناظر به ازاله بکارت با انگشت است و نه تصادف. در این میان دادگاه های ما نیز رویه مشخصی ندارند و نگارنده نتوانست به آراییی خاص این موضوع دست یابد لکن بنا بر اصول کلی حقوقی و نیز تنقیح مناط از نظر شارع چون ازاله بکارت دختر از هر طریق حتی غیر عمدی چون تصادفات رانندگی سبب تأثیرات به سزایی در آینده دختر است؛ لذا مطابق دکترین حقوقی این ضرر باید جبران شود و با توجه به استدلال هایی که در بخش قبلی مطرح گردید لازم است ارش البکاره لحاظ شود؛ هر چند که این گونه دختران و نیز دخترانی که در اثر ورزش های خاص پرده بکارت خود را از دست می دهند ثبیه محسوب نمی شوند؛ زیرا بلکه کماکان باکره و دختر محسوب می شوند همانا اصل در ثبیه حساب شدن یک زن دخول آلت رجولیت در آلت زنانگی اوست و نه صرف پارگی پرده بکارت بر اثر حوادث و سوانح. البته لازم به ذکر است که ارش پارگی های وارد شده بر آلت زن نیز باید مورد حکم قرار گیرد و آن چیزی سواى ارش البکاره ای است که به پارگی خود پرده تعلق می گیرد و در واقع این ارش از جراحات وارده به آلت تناسلی زن ناشی می گردد.

نتیجه گیری کلی:

در خاتمه و با توجه به مطالب، روایات و استفتائات فوق الذکر باید گفت: در خصوص ماهیت ارش البکاره و مهرالمثل با توجه به نظر جمهور فقها - که نگارنده نیز با آن موافق است - در خصوص ازاله بکارت دختر در غیر تصادفات و سوانح باید قائل به مهرالمثل بود و البته در خصوص باکره و ثبیه میزان آن متفاوت است و به

نوعی، ارش البکاره دختر در مهرالمثل وی لحاظ گشته است. در پاسخ به سوال دوم در رابطه با دیده پارگی هایی غیر از پرده بکارت نگارنده با این استدلال که برای آن ها ارش جداگانه تعیین شود، موافق است و آن را مطابق با اصول حقوقی می داند؛ زیرا ارش بکارت در رابطه با پرده بکارت است و مهرالمثل نیز تنها به تقویت بضع زن تعلق دارد لذا تعیین ارش برای سایر پارگی ها منطقی به نظر می رسد. در رابطه با تأثیر رضایت یا عدم رضایت دختر در ازاله بکارت به نظر می رسد که نظر مشهور فقها منطقی باشد و قاعده (لامهر لبغی) در این مورد ساری و جاری باشد و باید خاطر نشان نمود مختل شدن رضایت دختر چه به صورت فیزیکی (مانند اعمال زور) و چه غیر فیزیکی (مانند اغفال، بیهوش کردن و...) محقق می شود.

در پاسخ به فرض سوم در رابطه با پارگی های ناشی از حوادث و تصادفات به نظر می رسد که باید قائل به پرداخت ارش البکاره برای این دسته از دختران بود و نه مهرالمثل زیرا تقویت بضع در خصوص این دسته از دختران صورت نگرفته و تنها ارش مقدر برای پارگی پرده بکارت ایشان باید پرداخت شود.

پی نوشت ها:

- ۱) جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۰۲.
- ۲) الوسائل، جلد ۲۸، ابواب حد زنا، باب ۳۹، ص ۱۴۴.
- ۳) الوسائل، جلد ۲۹، ابواب دیات اعضاء، باب ۴۵، حدیث ۱، ص ۳۵۴.
- ۴) رأی شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در دادنامه های ۱۲۲۶ و ۲۶.
- ۵) شهید ثانی، مسالک الافهام، جلد ۲، ص ۳۹۷.
- ۶) خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۴۲، انتشارات مؤسسه امام خویی، قم، ۱۴۲۲ هـ. ق، ص ۴۶۱.

منابع:

- ۱- خمینی (ره)، سیدروح الله، تحریر الوسیله، جلد چهارم، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- ۲- سیدروح الله، استفتائات، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات

اسلامی، ۱۳۸۱.

- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۴- روحانی، سیدمحمد صادق، پاسخ به استفتائات مؤسسه حقوقی و کلاهی بین الملل، به نقل از سایت معظم له به نشانی:

http://WWW/istefta.net/stefta.php?Subid_11

- ۵- مکارم شیرازی، ناصر - علیان نژادی، ابوالقاسم، استفتائات جدید، جلد سوم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۱.

- ۶- صانعی، یوسف، استفتائات قضایی: کلیات قضا جزائبات، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.

- ۷- فاضل لنکرانی، استفتاء در خصوص سئوالات مطروحه در باب ارش البکاره، به شماره ۶۲۵۹۶ در تاریخ ۲۶/۲/۸۶ توسط نگارنده به عمل آمد:

«پرسش: اگر دختر باکره ای بر اثر تصادف رانندگی ازاله بکارت شود آیا مستحق دریافت مهرالمثل و ارش البکاره می باشد؟

پاسخ: بلی اگر در اثر حادثه ای ازاله از بکارت شود، دختر استحقاق دیده آن از جانی دارد و دیده آن مهرالمثل دختر است.

پرسش: آیا می توان در پارگی پرده بکارت بر اثر تصادف رانندگی قائل به نوعی جراحت فرضاً (دامیه) شد یا خیر؟ و آیا مشمول دیده مقدره می شود؟

پاسخ: دیده مقدره دارد یعنی مهرالمثل

پرسش: آیا به نظر حضرت تعالی ارش البکاره با مهرالمثل تفاوت دارد؟

پاسخ: بلی، اما گاهی یکی مصداق پیدا می کند.

(۷/۳/۸۶)

- ۸- ابن ادریس، سرائر، جلد سوم، بی تا، بی نا، بی جا.

- ۹- حلی، جعفرابن الحسن، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق.

- ۱۰- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲.

- ۱۱- قربانی، فرج الله، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، آراء جزایی، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۱.

- ۱۲- ابادری، فرمشی، منصور، مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی در امور کیفری، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۶.

- ۱۳- حلی، جمال الدین، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.

- ۱۴- طوسی، محمدبن الحسن، "المبسوط"، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.